■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسئول: مهدی گیوه‌کی

سه‌شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۱ | ۱۶ رجب ۱۴۴۴ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌وسوم - شماره ۶۴۲۶ | Tuesday - Feb 7 , 2023

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹ ■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱
■ دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳ ■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰ ■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰
■ تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴ ■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم
■ شاپا: ISSN1735-3637 ■ پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

حکمت

امام موسی کاظم(ع):

مصیبت برای انسان شکیبا یکی است و برای بی‌تابی‌کننده دو تا می‌شود!

بحارالانوار

نکته روز

جدال هشتگی

مبارزه مجازی با معاندین بر سر جشنواره فجر

آنچه این روزها در فضای مجازی می‌گذرد، شامل یک جدال تمام‌عیار بر سر حقیقت است. ماجرای جشنواره فیلم فجر که حالا در میانه‌های آن قرار داریم در فضای مجازی به جدالی تمام‌عیار تبدیل شده است. از یکسو رسانه‌های معاند و لشکر ربات‌ها سعی در عدم استقبال از جشنواره فیلم فجر را دارند و در این راه از هیچ فحاشی به حاضران در جشنواره دریغ نمی‌کنند و در سوی مقابل اکانت‌های انقلابی با بازنشر تصاویر خبرگزاری‌ها از جریان جشنواره سعی می‌کنند حقیقت جاری را به کاربران فضای مجازی نشان دهند. البته این موضوع در چند روز اخیر محدود به جشنواره فیلم فجر نیست و پیش از آن هم این جدل‌ها در رابطه با جشنواره تئاتر فجر هم دیده می‌شد، پرتکرارترین موضوع درباره جشنواره تئاتر هم مربوط به انتشار پست اینستاگرامی برنده زن جشنواره تئاتر فجر بود، مرجان آقانوری همراه با تصویری از لحظه دریافت جایزه‌اش از این جشنواره جایزه خود را به زنان سرزمینش تقدیم کرده بود! اما همین موضوع باعث به راه افتادن لشکر سایبری وابسته به رسانه‌های معاند شد و حجم فحاشی‌ها به او آنقدر بالا گرفت که این بازیگر مجبور به حذف پست منتشرشده خود شد. این موضوع در میانه جشنواره فیلم فجر هم ادامه دارد. به عنوان مثال در چند روز گذشته سوی حمله این کاربران به سمت رضا محقق، تهیه‌کننده فیلم «چرا گریه نمی‌کنی؟» چرخیده است و در دو روز گذشته بیشترین واکنش‌ها نسبت به اظهارات او بوده است. محقق در حالی در نشست خبری حاضر شده که بازیگران این فیلم طی بیانیه‌ای در اینستاگرام، خودسرانه خواستار عدم حضور این فیلم در جشنواره شده بودند. رضا محقق با حضور در این نشست پاسخ بازیگران فیلم را داده که در فضای مجازی نیز به شکل قابل توجهی فراگیر شد. سوی دیگر این هجمه اما اکانت‌های انقلابی قرار دارند و در واکنشی متقابل سعی در انتشار تصاویر حقیقی از استقبال مردم از جشنواره دارند. آنها دیروز به حضور مصطفی زمانی در جشنواره هم اشاره‌هایی داشتند. آنها با انتشار حضور و استقبال مردمی از جشنواره به طور مجزا از حضور این بازیگر در نشست خبری قدردانی کردند. علاوه بر این، کاربران انقلابی ویدئویی از اظهارات علی نصیریان در جشنواره سال گذشته را نسبت به پیشرفت‌های سینما و بازیگران پس از انقلاب بازنشر دادند.

واکنش‌ها به جشنواره فیلم فجر همچنان ادامه دارد و کاربران انقلابی و معاند بر سر این موضوع جدال توییتری و اینستاگرامی دارند. اما آنچه رصد فضای مجازی نشان می‌دهد بر حسب این که برخی اکانت‌های تحریم‌کننده و تهدیدکننده سایبری و وابسته هستند، فعالیت کاربران انقلابی به واقعیت نزدیک‌تر بوده و با توجه به ناامیدی‌های اخیر اغتشاشات، اکانت‌های انقلابی مورد اعتمادتر خواهد بود.

عصر نفرت

قاتل جمعه سیاه

غلامعلی اویسی، عاشق جنگ و نظامی‌گری بود. به همین دلیل از همان دوره جوانی پا به دانشکده افسری گذاشت. بعد هم در ایران و آمریکا، آموزش‌های مختلفی دید. شاه به او اعتماد زیادی داشت و خوب می‌دانست که ارتشبد اویسی، مثل یک سرباز جان برکف، در خدمت اوست. به همین دلیل به او درجات بالایی داد و او را در کارهای مهمی همچون فرماندهی ژاندارمری کشور یا فرماندهی نیروی زمینی ارتش به کار گرفت. کشتار روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ نقطه سیاهی در تاریخ ایران‌زمین است. روزی که مردان و زنان و کودکان ایرانی به میدان ژاله(شهدا) تهران آمدند و به ظلم و بی‌عدالتی شاه اعتراض کردند. آن روز از سیل جمعیت مردم با انبوه گلوله‌ها و مسلسل‌های آمریکایی پذیرایی شد و کشته‌های بسیاری بر روی هم افتادند. از آن پس، اسم میدان ژاله به میدان شهدا تغییر یافت. فرمانده کشتار آن روز، تیمسار ارتشبد غلامعلی اویسی بود که از شاه جایزه گرفت. آن روز تلخ در کتاب انقلاب به جمعه سیاه معروف شد. اویسی که اوضاع را بد می‌دید در دی ۵۷ به بهانه معالجه از ایران فرار کرد و سرانجام در ۱۸ بهمن ۶۲ در شهر پاریس توسط چند مرد ناشناس کشته شد. او هیچ وقت به خاطر خون پاک شهدای ۱۷ شهریور خودش را سرزنش نکرد.

کیوآرکد را اسکن کنید

«جام جم» عکس‌های دیوید برنت عکاس آمریکایی را بررسی می‌کند

روایت ۴۴ روز از انقلاب ایران

اگرچه دیوید برنت اسمی شناخته‌شده در عکاسی جهان است اما به واسطه عکس‌هایش از انقلاب ۵۷ شهرت او در ایران دوچندان است. دیوید برنت درست در برهه حساسی از تاریخ وارد ایران شد و توانست اتفاقات و حوادثی را ثبت و ضبط کند که به تغییر دائمی حکومت منجر شد. دو ماه سرنوشت‌ساز دی و بهمن ۵۷ که رویدادهای جاری در آن سرنوشت ایران را برای همیشه تغییر داد. مانند بسیاری دیگر از عکاسان خارجی و ایرانی، دیوید برنت نیز در آن زمان از طرف مجله تایم ماموریت یافته بود تا حوادث انقلاب را ثبت و مخابره کند. برخی تصاویر او در همان دوران به عنوان خبر دست اول از خط مقدم حوادث منتشر شد، اما واقعیت این است که در انبوه حضور عکاسان خارجی و ایرانی در دوران انقلاب، عکس‌های برنت به طور ویژه و خاصی در نظر نیامد و انبوهی شد از دیگر تصاویر کم و بیش برجسته‌ای که عکاسان حرفه‌ای و آماتور مختلف در آن زمان در مجلات خارجی و ایرانی منتشر می‌کردند. در واقع شهرت برنت و عکس‌های انقلاب ۵۷ او، خاصه در ایران، پدیده‌ای جدیدتر است و به سال‌های اخیر برمی‌گردد، یعنی حدود ۳۰ سال بعد از انقلاب به واسطه انتشار کتاب عکسی که تصاویر مهم و حتی کمتر دیده‌شده برنت از انقلاب ۵۷ را در خود گرد آورده است. این کتاب که با عنوان «۴۴ روز: ایران و بازسازی مجدد جهان» توسط انتشارات نشنال جئوگرافی در سال ۲۰۰۹ چاپ و عرضه شد، حاوی عکس‌های متنوع برنت در طول اقامتش در ایران دوران انقلاب است که تقریبا با خط سیری داستانی از زوال سلطنت و خروج شاه از ایران آغاز شده و با ورود امام و تثبیت جمهوری اسلامی پایان می‌گیرد. برخلاف بیشتر کتاب‌های عکس عکاسان خارجی که در ایران کمیاب یا نایاب است، کتاب ۴۴ روز برنت از معدود کتاب‌هایی بود که تقریبا در همان زمان انتشارش در داخل ایران مورد توجه قرار گرفت و در دسترس بود. کمتر شخص ایرانی مشغول یا علاقه‌مند به فتوژورنالیسم است که در دهه پیش، اسم ۴۴ روز برنت را نشنیده یا کتاب او را تورقی نکرده باشد. کتاب عکسی که سلسله تصاویر منسجمی از انقلاب ۵۷ را یکجا به نمایش می‌گذارد و در کنار روند خطی روایت آن، تنوع زیاد حوادث و اتفاقاتی که پوشش می‌دهد بسیار چشمگیر است. به اینها زوایای دید ناب و کادربندی‌های خاص عکس‌های برنت را نیز باید اضافه کرد تا علت استقبال جامعه عکاسی ایران از این کتاب را بهتر فهمید.

امروز در تاریخ

- زادروز احمد عاشورپور، پدر موسیقی محلی/ ۱۲۹۶
- آغاز عملیات والفجر مقدماتی/ ۱۳۶۱
- قتل ارتشبد غلامعلی اویسی، عامل کشتار مردم/ ۱۳۶۲
- افتتاح خانه هنرمندان/ ۱۳۷۸

واحه

بر قطره سرشک یتیمان نظاره کن
تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست

پروین اعتصامی

اوقات شرعی

اذان ظهر: ۱۲:۱۸	غروب آفتاب: ۱۷:۳۷
اذان مغرب: ۱۷:۵۶	نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۳۶
اذان صبح (فردا): ۵:۳۴	طلوع خورشید (فردا): ۶:۵۹

پیشخوان

آخرین شاه، آخرین دربار

خاطره‌نویسی در ادبیات ایران پیشینه‌ای طولانی دارد، برای مورخان اما این گونه ادبی بیشتر از جذابیت‌های نثری جذابیت‌های تاریخی دارد. برای آنها که در پی حقیقت یک واقعه تاریخی‌اند این گونه می‌تواند همچون گنجی تحقیقی محسوب شود. همین است که رصدی در میانه خاطرات اهالی دربار پهلوی می‌تواند سنجه مناسبی برای تحلیل وقایع این دوره باشد. خاطرات اسدا... علم یکی از منابع اصلی و دست‌اول درباره تاریخ دربار پهلوی و بالاخص سال‌های پایانی حکومت محمدرضا پهلوی است که بنا بر نزدیکی او به دربار و خاندان سلطنتی در کنار موقعیت سیاسی و شغل او، همواره مورد استفاده و توجه محققان این دوره بوده است. از میان نوشته‌های علم می‌توان بسیاری از عوامل زوال حکومت پهلوی و بروز و ظهور انقلاب را مشاهده کرد. این کتاب به کوشش موسی فقیه حقانی در ۴۱۰ صفحه توسط موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران به چاپ رسیده است. کتاب خاطرات اسدا... علم در پنج فصل، به شکل موضوعی، وقایع مستخرج از خاطرات اسدا... علم را تقسیم کرده و در اختیار مخاطبان قرار داده است. فصل نخست به بررسی شخص شاه پرداخته است. تمرکز این فصل بر شخصیت و روحیات فردی شاه، خاصه خوی دیکتاتوری و اخلاقیات او است. فصل دوم به خانواده شاه می‌پردازد و فرزندان و همسران شاه را از دیدگاه خاطرات علم مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل سوم به خواهران و برادران شاه پرداخته و پس از اشاره مفصل به خواهر دوقلوی او، نقش و اقدامات آنان، اشاره‌ای به برادران شاه می‌کند. سیاست داخلی موضوع فصل چهارم است. در این فصل مسائلی مانند نحوه حکومت‌داری محمدرضا پهلوی، خوی دیکتاتوری او، بی‌برنامگی و... مورد توجه قرار گرفته است. آخرین فصل کتاب به سیاست خارجی و وجهه بین‌المللی حکومت پهلوی اشاره دارد و نویسنده رابطه حکومت پهلوی را با کشورهای تأثیرگذار در آن دوره مانند آمریکا، انگلستان، اسرائیل، شوروی و نیز کشورهای عرب همسایه، مصر، اردن و مراکش، عربستان، فلسطین، افغانستان و... مورد ارزیابی قرار داده است.

چهارراه

آقای دیکنز، شام چی بخوریم؟

حقایقی از زندگی چارلز دیکنز که امروز سالروز تولدش است

کمتر کتابخوانی در جهان یافت می‌شود که تاکنون اثری از چارلز دیکنز نخوانده باشد. دیکنز را به عنوان رمان‌نویس نمادین عصر ویکتوریایی می‌شناسند. نویسنده‌ای که ترسی از بیان نظر خود نداشت و کارش را به داستانسرایی محدود نکرد بلکه درباره فقر، بی‌عدالتی و جنایت نیز نوشت. دیکنز که استاد شوخ‌طبعی و انسانی خوش‌قلب بود، از این مهارت هنگام نوشتن در مورد مسائل جدی اجتماعی استفاده کرد. اگرچه دیکنز در دورانی کاملا متفاوت زندگی می‌کرد، اما آثار او امتحان خود را پس داده و توجه به آثارش تا به امروز ادامه دارد. هر یک از کتاب‌های او، وضعیت جامعه را به شکلی ساده بیان می‌کند. سرود کریسمس، داستان دو شهر و الیور توئیست از برترین شاهکارهای این نویسنده بزرگ محسوب می‌شود. دیکنز وقتی ۱۲ ساله بود پدرش به زندان افتاد و مجبور شد برای تامین مخارج خانواده تحصیل را ترک کند و برای کار وارد یک کارخانه شد. همان طور که می‌توانید تصور کنید، شرایط این کارخانه به خصوص برای یک نوجوان ۱۲ ساله مساعد نبود. او بعدها تصویری از تجربه حضور در چنین محیطی را از طریق نوشته‌هایش ترسیم کرد. اما او برای تبدیل‌شدن به یکی از بزرگ‌ترین رمان‌نویس‌های جهان نیازی به تحصیلات رسمی نداشت. درباره چارلز دیکنز چیزهای زیادی برای گفتن وجود دارد. به مناسبت زادروز او به برخی از جالب‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

همسر دردسرساز

خانواده دیکنز متشکل از نویسندگان بود. همسرش کاترین، کتاب خود را سال ۱۸۵۱ منتشر کرد. او نیز درست مانند شوهرش با نام مستعار می‌نوشت؛ لیدی ماریا کلاترباک. کتاب کاترین در مورد دستورالعمل‌های آشپزی بود که ایده‌های منور را ارائه می‌کرد. عنوان کتاب «شام چی بخوریم؟» بود که برای وعده‌های غذایی دو تا ۱۸ نفره تهیه شده است. متاسفانه زندگینامه‌نویس دیکنز از این کتاب علیه‌اش استفاده کرد و اظهار داشت که غذاهایی که کاترین می‌پزد سنگین و برای سلامتی دیکنز مضر بوده است! منتقدان مدرن نیز کتاب را مورد نکوهش قرار دادند و گفتند که منو خیلی شلوغ است! کاترین بی‌نوا به خاطر آشپزی ویکتوریایی سرزنش شده که در آن دوران غذاهایی رایج بوده است.

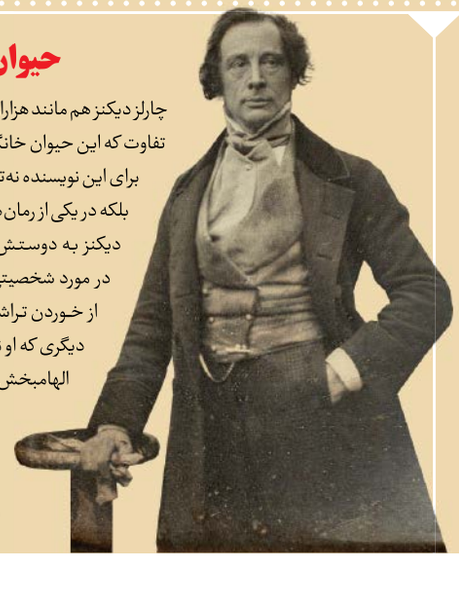

حیوان خانگی دیکنز

چارلز دیکنز هم مانند هزاران انسان دیگر، حیوانی خانگی داشت با این تفاوت که این حیوان خانگی یک کلاغ سیاه به نام «گریپ» بود! گریپ برای این نویسنده نه‌تنها یک حیوان خانگی دوست‌داشتنی بود، بلکه در یکی از رمان‌های او به نام «بارنابا راج» نیز حضور داشت. دیکنز به دوستش جورج گفته بود که همیشه می‌خواسته در مورد شخصیتی بنویسد که کلاغ خانگی دارد. گریپ پس از خوردن تراشه‌های رنگ سربی مرد و به زودی با کلاغ دیگری که او نیز گریپ نام گرفت، جایگزین شد. این کلاغ الهامبخش ادگار آلن پو برای نوشتن شعر کلاغ شد. پس از مرگ گریپ دوم، دیکنز آن را تاکسیدرمی و در یک جعبه چوبی و شیشه‌ای قرار داد. این پرنده اکنون در کتابخانه آزاد فیلادلفیا است.

بیماری عجیب نویسنده

چارلز دیکنز عادت داشت همیشه وسایل و اثاثیه را به ترتیب خاصی بچیند. اگرچه ثابت نشد، اما بسیاری بر این باور بودند که دیکنز دارای اختلال وسواس فکری عملی است. این اختلال آنقدر شدید بود که حتی اگر برای چند روز در هتلی اقامت می‌کرد مبلمان و سایر وسایل را به سلیقه خود می‌چید در غیر این صورت نمی‌توانست آنجا بخوابد! او در کنار یک مدل چیدمان ثابت همیشگی، به نظم و مرتب‌بودن محیط نیز وسواس عجیبی داشت. تا آنجا که گفته می‌شود دیکنز همیشه اتاق خواب فرزندانش را بازرسی می‌کرد و به چیزهایی که نامرتب بود اشاره می‌کرده است. در هر صورت دیکنز می‌خواست همه چیز در اطرافش مرتب باشد.

عشق دوران کودکی

چارلز دیکنز ازدواج شادی نداشت و مدام کاترین را سرزنش می‌کرد که مادر و همسر خوبی نیست. دیکنز از خانواده پرجمعیت رنجیده و خسته بود و از این که بچه‌های زیادی (۱۰ فرزند) داشت راضی نبود. او همسرش را کسل‌کننده می‌دانست و معتقد بود که کاترین از نظر فکری با او برابر نیست. تنها وجه مشترک این زوج این بود که هر دو از خانواده‌های پرجمعیت بودند. شنل‌قرمزی به عنوان منبع اولیه الهام چارلز دیکنز بود. شاید به عنوان راهی برای برخورد با معصومیت دوران کودکی از دست‌رفته خود که توسط بدی‌های غیرمنتظره بلعیده شده بود. او در جایی نوشت: «او نخستین عشق من بود. احساس می‌کردم اگر می‌توانستم با شنل‌قرمزی ازدواج کنم، سعادت کامل را می‌شناختم.»